

گرجستان، انقلاب مخملی نخرما

سرویس گرجستان/خبرگزاری آران

مهین السادات صمدی

خبرگزاری آران / سرویس گرجستان : مخالفین ساکاش ویلی که تقریباً از شش ماه پیش عزم خود را برای براندازی دولت او جزم کرده اند، با تشدید اقدامات اعتراضی خود از 9 آوریل، بر تداوم اعتراضات تا تحقق خواسته های خود که در رأس آنها استعفاء ساکاش ویلی است تأکید دارند. تجمعات اعتراضی آنها در اطراف پارلمان و نهاد ریاست جمهوری همچنان در تفلیس برپاست و انتظار می رود با الحاق برخی گروه های مخالف از سایر شهرهای گرجستان به جمع معترضین تفلیس، شمار تظاهرکنندگان در این شهر افزوده شود. بسیاری از تحلیل گران داخلی و خارجی، با توجه به فضای سیاسی موجود در گرجستان، از همان از ابتدای شروع تظاهرات ها در خصوص بروز خشونت در جریان اعتراضات هشدار داده و خواستار خویشتن داری طرفین شده بودند. هرچند طی روز های ابتدایی گزارشی مبنی بر بروز درگیری مخابره نشد، اما تنش های اخیر در این کشور اسباب نگرانی هایی شده است.

موضوع از این قرار بود که برخی مأموران شهرداری تفلیس با ادعای انجام عملیات نظافت شهری اقدام به برچیدن محل انجام سخنرانی و کنفرانس خبری مخالفین در میدان روستاول که از 9 آوریل در این محل برپا شد، کردند، که این مسئله منجر به بروز درگیری بین مقامات مسئول شهرداری و جمعی از طرف داران ساکاش ویلی با مخالفینی که در این محل حضور داشتند شد. شاهدان بر این نکته تأکید می کنند که «رفتگرانی» که برای انجام وظایف شهری خود به میدان مراجعه کرده بودند، بیشتر شبیه به نیروهای امنیتی بوده و آنها آغازگر درگیری ها بوده اند. حتی برخی از مخالفین از وجود برخی افسران شناخته شده پلیس در میان مأموران شهرداری خبر می دهند که در لباس میدل در میدان حضور یافته بودند. اما مقامات وزارت کشور با رد دخالت مقامات امنیتی در این درگیری، مخالفین حاضر در محل را مسبب و تحریک کننده درگیری ها اعلام کرده اند. مقامات شهرداری نیز با تأیید خیر درگیری، مخالفین را عامل اصلی درگیری دانسته و تأکید کرده اند که ناسازگویی و تحریک به درگیری از سوی آنها آغاز شده است.

ناظران که بروز این درگیری ها را پیش بینی می کردند، با اشاره به التهاب موجود در تفلیس، هرگونه اقدام تحریک آمیز از سوی دولت و به تبع آن وقوع هرگونه درگیری را به ضرر ساکاش ویل ارزیابی کرده و معتقدند مخالفین با بزرگ نمایی این تقابل ها می توانند از آن برای بین المللی کردن بیشتر موضوع استفاده و شمار بیشتری را در داخل کشور با خود همراه کنند. آنها با اشاره به این نکته جالب تأمل که در روز شروع اعتراضات شمار خبرنگاران از تعداد نگهبانان ساختمان ریاست جمهوری بیشتر بود، بر این باورند که با وجود این پوشش خبری گسترده، نیروهای مخالف به نحو مؤثری می توانند از بروز هرگونه درگیری به نفع خود بهره گیرند. برخی دیگر از تحلیل گران نیز با اشاره به اینکه طی روز های 10 و 11 آوریل از شمار تظاهرکنندگان در مقابل پارلمان به نحو محسوسی کاسته شده، هرگونه درگیری را عاملی برای تقویت موقعیت مخالفین ارزیابی می کنند. به نظر می رسد با

التفات به همین وضعیت است که ساکاش ویلی طی روز های اخیر در چندین مورد تمایل خود به گفتگو با مخالفین ابراز داشته است. شایان توجه اینکه رهبران مخالفین در خصوص مذاکره با ساکاش ویلی دیدگاه های مختلف و بعضاً متناقضی را ابراز داشته اند. در حالی که نینا بوردجانادزه به صراحت پیشنهاد مذاکره ساکاش ویلی را رد کرده، برخی دیگر از رهبران مخالف از مذاکره مشروط با دولت تلوپیکا حمایت کرده اند. از جمله ایراکلی آلاسبیا، یکی از رهبران مخالفین چندی پیش از آمادگی خود برای مذاکره با ساکاش ویلی در قالب مناظره تلویزیونی خبر داده بود، که این مسئله با واکنش منفی سایر رهبران مخالفین مواجه شده بود. این در حالی است که کوخا کوکواوا از دیگر مقامات مخالفین نیز با تأکید بر عدم صداقت ساکاش ویلی و ضمن رد مذاکره با دولت، مردم را به نافرمانی مدنی در سراسر کشور دعوت کرد. به اعتقاد تحلیل گران این ابراز متفاوت دیدگاه ها تنها می تواند يك معنا داشته باشد و آن اینکه مخالفین هرچند در خصوص ضرورت استعفاء ساکاش ویلی اتفاق نظر دارند، اما در باب کیستی جانشین و او شرایط پس از ساکاش ویلی هنوز هیچ برنامه ای ندارند و این مهم ترین نقطه ضعف آنها است. به باور آنها، اختلاف نظر در میان مخالفین حتی اسباب آن شده که آنها در خصوص راهبرد و تاکتیک های مخالفت با ساکاش ویلی نیز به توافق نرسند. هم از این رو، آنها ابراز تمایل چندباره ساکاش ویلی را سیاستی هوشمندانه از سوی او می دانند که با هدف افزایش اختلافات در اردوگاه مخالفین مطرح نظر او قرار گرفته است.

آنچه بر گرجستان گذشت!

تفلیس، شهری که روزی پایتخت جنبش های لیبرالی نام گرفته بود، اکنون در محاصره بحرانی تازه قرار دارد. پس از چند سال از وقوع انقلاب مخملی در گرجستان به رهبری میخائیل ساکاش ویلی (که در آن هنگام ۳۶ سال داشت) و درست در حدود سالگرد این رخداد جنجالی در حوزه قفقاز جنوبی، شاهد بروز ناآرامی ها و اعتراضات گسترده خیابانی در این جمهوری هستیم. موج کشمکش این روزهای تفلیس به گونه ای دیگر تداعی گر حوادث سال های آغازین هزاره سوم و شکستی غیرقابل جبران برای فرزندان انقلابهای رنگین است. خلال تحولات اخیر تفلیس، گروه های مخالف دولت در گرجستان این توانایی را بدست آورده اند تا به ائتلاف عملی و منسجم علیه حاکمیت دست یابند. موضوعی که از سال ۲۰۰۳ میلادی و پس از پیروزی انقلاب رنگین به رهبری ساکاش ویلی تا به امروز بی سابقه بوده است. با این انسجام، مخالفین توانسته اند تا بیش از یکصد هزار نفر را در کشور کوچکی همچون گرجستان مجدداً و این بار برخلاف موج انقلاب رنگی به خیابان ها بکشانند.

از نکات جالب توجه دیگر، ادبیات تازه مخالفان است. آنها برای بی اعتبار کردن اندیشه های ساکاش ویلی در مقام رهبر انقلاب مخملی و برای تقابل با جریان شکل گرفته قبلی که «انقلاب رز» نام داشت، جنبش جدید خویش را «انقلاب خار» نام گذاری کرده اند. افزون بر این، شعار ها و دیدگاه هایی که مخالفین با توسل به آنها اقشار عمومی را با این اعتراضات همراه کرده اند، همان هایی است که ساکاش ویلی و همراهانش چند سال قبل بر آن تکیه داشتند که اعتراض به فساد گسترده دولت و دولتمردان حاکم در امور اقتصادی، فساد اداری، گسترش فقر در جامعه، اختلافات شدید طبقاتی، عدم رفع مشکلات اساسی مردم، بیکاری شدید، نبود آزادی واقعی و... از جمله مهم ترین آنها بود. با این ملاحظه، ساکاش ویلی در مواجهه با همان اتهاماتی است که ادوارد شوارد نادره (رئیس جمهوری پیشین) در معرض آن قرار داشت. شعاری که در ناآرامی اخیر تفلیس داده شده، حاوی پیام های قابل تأمل فراوانی است. مخالفین در این اعتراضات هم علیه ساکاش ویلی و هم علیه شوارد نادره شعار داده و خواستار ایجاد روندی سیاسی فراتر از مدل ساکاش ویلی و شوارد نادره شده اند. به لحاظ ترکیب، بسیاری از مخالفین ساکاش ویلی، افرادی هستند که چند سال قبل با وی همراه بوده اند، اما در حال حاضر با وی مخالف بوده و حتی با اطلاق عنوان دیکتاتور یا هیتلر جدید به نامشروع بودن قدرت او حکم می دهند.

سفر فرستاده آمریکا اهمیت راهبردی تفلیس و عمق نگرانی غرب از حوادث این کشور را نشان می دهد. جدا از این که از دست دادن این کشور به لحاظ اقتصادی يك ضربه بزرگ است، از حیث سیاسی غرب با مسأله ای حیثیتی در این روندها روبه رو است. برای غرب پروژه انقلاب رنگین در گرجستان به عنوان يك الگو برای سایر جمهوری های شوروی سابق بود، حال وارد آمدن خلل در آن و به شکست انجامیدن آن، شکستی غیر قابل جبران برای بنیان این تئوری و سرمایه گذاران آن محسوب می شود. ساکاش ویلی در گذشته بر این نکته تأکید داشت که گرجستان و مدل شکل گیری حکومت در آن، الگوی برای رسیدن به جامعه دموکراتیک برای جمهوری های شوروی سابق است. همین سخن او می تواند احساس عمیق وحشت از عواقب جنبش جدید تفلیس را برای این کشورها آشکار سازد. اقدام اخیر مخالفین (فارغ از این که نتیجه آن چه خواهد بود) پیش از هر چیز، موفقیت

الگوهای آمریکا که ساکاش ویلی نماد آن بود را زیر سؤال برده و خواهد برد. با این ملاحظه، برخی معتقدند که تشابهات بسیاری بین بحران اخیر در گرجستان و تحولات چندی قبل در ا کران وجود دارد و در واقع برآیند و نتیجه هر دوی آنها شکست پروژه انقلاب های رنگین است.

به رغم این که غرب در جریان الگوسازی برای جمهوری ها، از هیچ اقدامی برای تحقق و ریشه دار کردن این پروسه فروگذار نمود، ولی شاهدیم که در جریان بحران اخیر، غربی ها نیز با تغییر هر چند تاکتیکی در سیاست هایشان نسبت به تصمیمات مستبدانه ساکاش ویلی برای سرکوبی مردم اعتراض کردند. با این اوصاف، در وضعیت گیج کننده ای که ساکاش ویلی و هواداران او قرار گرفته اند، آنان تنها راه چاره را در فرافکنی بحران به سمت روسیه می جویند. درست است که روند اوضاع در این منطقه به نفع مسکو در حال تغییر است و در صحنه سیاسی در گرجستان نیز نوعی تقابل میان جریان های روس گرا و غرب گرا وجود دارد، اما این مسئله که همه اسباب شکست را ساکاش ویلی به کرملین منتسب می داند، ادعایی است که حتی کاخ سفید مجبور شد آن را تعدیل کند. حاکمیت فعلی گرجستان خیلی سعی دارد مخالفین خود را به گونه ای معرفی نماید که زیر حمایت کامل روسیه قرار دارند. سردمداران سیاسی گرجستان سعی دارند تا با این حربه جهت سرکوبی مخالفین مردمی خود از غرب و آمریکایی ها کمک بگیرند. در این راستا حتی گرجی ها برای توجیه موضوع در افکار عمومی سه دیپلمات روس را از تفلیس اخراج نموده و آنها را به دست داشتن در این اعتراضات متهم نمودند.

در شعارهای مردم معترض بیش از همه صلاحیت و سلامت دولت ساکاش ویلی به چالش کشیده می شود و نیز تظاهر کنندگان بیش از همه از اجرا نشدن وعده های اقتصادی او به ستوه آمده اند، اما به گفته سخنگوی جنبش جدید تفلیس، ساکاش ویلی افزون بر ناکامی در انجام شعارهایی که در 5 سال قبل سر می داد، نتوانسته است مشکلات اساسی کشورش در ارتباط با اعلام استقلال آبخازیا، اوستیای جنوبی و آجاریا را حل نماید. او به زبان طعنه می گوید: «رهبان ما هنوز آرزوی ایجاد یک ارتش ۲۰ هزار نفری را برای کشورش نتوانسته محقق نماید و این در حالی است که بیش از ۲۰ درصد خاک کشورش را به جهت اعلام خودمختاری مناطق سه گانه فوق الذکر زیر نفوذ دولت مرکزی نداشته و کنترل آنها را از دست داده است. این در حالی است که او با دنباله روی از سیاست های آمریکا، دو هزار نیروی نظامی را به عراق اعزام داشته است.»

این سخن معترض گرجی، اشاره ای دقیق به ناکامی آن بخش از سیاست های دولت ساکاش ویلی دارد که همه راه حل های بحران را در پیوستن به ناتو و سازمان های اروپایی جست و جو می کند. گرجی ها معتقدند که 5 سال انتظار پشت دروازه اروپا و آمریکا هیچ گرهی از مشکلات حاد اقتصادی و امنیتی آنها نگشوده و ساکاش ویلی به جای آن که برای مردم خود امنیت و آرامش بیاورد، با همراهی با آمریکا در عراق به دنبال کسب شهرت در فراسوی مرزها بوده است. با این ملاحظه، اکنون حوادث تفلیس در مسیری دشوار قرار گرفته است. با توجه به عمیق بودن دامنه بحران، احتمال خارج شدن قدرت از دست ساکاش ویلی در انتخابات آتی محتمل است، چرا که مردم خواهان رسیدن به خواسته های خود هستند و بعید است این بحران به این سادگی ها حل و فصل شود.

تحقق نیافتن شعارهای داده شده توسط سران انقلاب مخملی مردم را نسبت به هرگونه سازش با جناح لیبرال بدبین کرده است. میراث ساکاش ویلی اکنون جامعه ای با انواع مشکلات ساختاری است. نکته ای که در رفتار مردم معترض به وضوح به چشم می آید ناپردباری آنان در برابر نمایندگان حکومت است. دستگاه امنیتی ساکاش ویلی، اکنون با جمعی از توده خسته و عصیان زده مواجه است که به چیزی کمتر از کناره گیری دولت راضی نمی شوند. رهبر جوان تفلیس شاید ۴ سال قبل که سوار بر موج خشم توده ناراضی حکومت شورانداز ره را سرنگون کرد پیش بینی چنین وضعیتی را نمی کرد که روزی همان توده گریبان او را بگیرند. بنابراین وقایع جاری تفلیس پیام هایی نمادینی دارد. پیام هایی که ارتباط رمزی با شکست انقلاب لاله در قرقیزستان و انقلاب نارنجی در ا کران برقرار می کنند. بدون تردید، حوادث جاری تفلیس تأثیرات عمیقی بر جمهوری های پیرامون خواهد داشت و با این وقایع باید شاهد چرخش ها و دگردیسی های تازه در مشی سیاسی رهبران این کشورها باشیم. از جمله آثار کوتاه مدت این ناآرامی ها این خواهد بود که سیاست فاصله گیری رهبران آسیای مرکزی و قفقاز را که با حوادث ا کران و قرقیزستان جرقه آن شعله ور شده بود تشدید خواهد کرد.

در این میان، پیام های وقایع تفلیس را بیش از همه کاخ سفید دریافت کرده است که افزون بر اعزام دیپلمات های خود به گرجستان، رهبران کلیسا و کشیش های این منطقه را نیز بسیج کرده تا شاید پل تفاهم بر روی بستر توفانی سیاست این کشور ایجاد کنند. اما این تدابیر تا چه حد می تواند مؤثر واقع شود. بدون شك، اگر کشمکش امروز تفلیس از نوع اختلافات درون حکومتی و مناقشه ای میان گروه دوستان درون کابینه انقلاب مخملی این کشور بود، شاید میانجی گران غربی کاری از پیش می بردند، اما واقعیت این است که این تحولات، حتی اگر ابتدا صورت یک اختلاف درون حکومتی بروز یافت، اکنون با موج شکاف های سیاسی و اجتماعی عمیقی پیوند یافته که با اجبار مذاکره یا چانه زنی نمی توان آن را حل و فصل کرد.

شاید کمتر کسی گمان می کرد که احزاب اپوزیسیون گرجستان چنان توفیقی در همراه کردن توده مردم با خود بیابند که بتوانند بزرگترین تجمع اعتراض آمیز را پس از رویداد موسوم به «انقلاب گل رز» شکل دهند. جمعی که دوم نوامبر در مقابل پارلمان گرجستان شکل گرفت و بنا به برآورد رسانه های مستقل بیش از هفتاد هزار نفر از معترضین را به روبروی ساختمان پارلمان گرجستان کشاند. در حالی که از انقلاب آرام ساکاش ویلی به عنوان تجربه ای موفق در بین انقلابات رنگین منطقه یاد می شود و توفیقات وی در انجام برخی اصلاحات ساختاری و عمیق به ویژه در مسائلی چون مبارزه با فساد اداری مورد تصدیق ناظران و تحلیل گران بی طرف منطقه است، رشد و نضج روز افزون تحركات اعتراض آمیز و موفقیت احزاب اپوزیسیون به گسترش دامنه طرفداران خود، تحولات جاری در گرجستان را در مرکز توجه محققین، تحلیل گران و علاقمندان مسائل این کشور و قفقاز جنوبی قرار داده است. به منظور درک صحیح تر از وقایع جاری و چشم انداز آینده تحولات گرجستان، ضمن مرور بر مجموعه رویدادها و اتفاقاتی که به وقایع اخیر منجر شد، سناریوهای محتمل در شکل گیری و تداوم این بحران به اجمال مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

پیشینه اپوزیسیون در گرجستان پس از انقلاب گل سرخ میخائیل ساکاش ویلی پس از پیروزی جنبش ملی که با مثلث رهبری (ساکاش ویلی، بوجانانده و زوانیا) محقق گردید، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ با اکثریت مطلق، به عنوان رئیس جمهور زمام امور کشوری را به دست گرفت که با مسائل و مشکلات عدیده ای مواجه بود. فساد اداری در اعلی درجه خود تاب و توان از مردم ستانده بود و فقر فراگیر، ناکارآمدی سیستم دولتی و مصائب اقتصادی کلان از یک سو و مسائلی که تمامیت ارضی کشور را تهدید می کرد. از سوی دیگر، تحركات جدایی طلبانه در آبخازیا، اوستیای جنوبی و آجاریا) وضعیتی ویژه و بحرانی را پدید آورده بود.

ساکاشویلی که در آغاز، چهره محبوب گرجی ها بود و حتی او را به «جرج مقدس» نیز تشبیه می کردند، با وعده حل هر دو این دسته از مشکلات، پا در سرای قدرت گرجستان نهاد. وعده هایی که آن روز هم برای آگاهان مسائل پیچیده گرجستان به سهولت قابل تحقق به نظر نمی رسید. غلبه بر فساد اداری حاکم بر کشور و ایجاد اصلاحاتی چشمگیر در برخی نهادهای دولتی همچون پلیس و نیروهای انتظامی تک خال ساکاش ویلی در حل مسائل دسته اول و فرونشاندن مقتدرانه تمایلات استقلال طلبانه آباشیدزه در آجاریا در همان اوایل به قدرت رسیدن کامیابی مهم وی در دسته دوم مشکلات ذکر شده فوق بود. این دو کامیابی هرچند به نوبه خود اهمیت زیادی داشتند و حتی موضوع برخورد با پدیده فساد اداری در گرجستان موجبات خرسندی و تشویق نهادهای بین المللی درگیر در این مسأله را نیز فراهم آورد، اما مشکلات فراتر از این ها بود و دامنه وعده های رئیس جمهور جوان، جسور و البته کمی نابالغ گرجستان گستره ای به مراتب پهناورتر را در بر می گرفت. بحران جدایی طلبی در قامت عدم تمکین جمهوری های خودخوانده آبخازیا و اوستیای جنوبی نمود و جلوه ای بیش از پیش یافته بود و حمایت پنهان و پیدای پدرخوانده دیروز گرجستان، فدراسیون روسیه، این تمایلات را تشدید می کرد. ساکاش ویلی علی رغم اتخاذ رویکردی مبارزه جویانه و قاطع در این بحران، نه تنها توفیق عملی چندان در آنچه خود آن را بازگرداندن یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور می خواند به دست نیاورد بلکه با تشدید این تمایلات و هم سوئی و اتحاد رهبران مناطق جدایی طلب فوق نیز مواجه شد.

در عرصه مسائل داخلی و معضلات اقتصادی - اجتماعی مبتلا به توده مردم، توفیق ساکاش ویلی در مبارزه سالیان آغازین حکمرانی خود با فساد اداری گسترده که نتایج آن

ملموس نیز بود، تکرار نشد و تداوم نیافت. بروز جلوه هایی از مناسبات خوبشاوندی و غلبه روابط بر ضوابط در فرآیند خصوصی سازی موسسات بزرگ اقتصادی از مصادیق مهم این ناکامی و یا به سخنی دیگر بازگشت نشانه هایی از فساد اداری و مالی گسترده پیش از انقلاب گل سرخ بود. بخش بزرگی از اعتراضات اپوزیسیون گرجستان نیز معطوف به این پدیده و رویش دوباره فساد اداری و نابرابری در توزیع فرصت ها بود. بر این مسأله، تورم چشمگیر و افزایش مستمر هزینه های زندگی را باید افزود که خود از تبعات گذار گرجستان از سیستمی با اقتصاد دولتی و بسته به نظام سرمایه داری - آن هم از نوع لجام گسیخته آن بود. افزون بر این ها خودکامگی و استبداد شخصی میخائیل ساکاش ویلی جوان نیز هر روز بیش از پیش مشهود می شد. او علی رغم تعلق خاطر خاص به ارزش های لیبرالی، این ویژگی را از فضای خودکامه حاکم در گرجستان شوروی به ارث برده بود. خصلتی که همان اوان پیروزی جنبشی ملی که وی یکی از رهبران اصلی آن بود نیز بروز یافت و اولین جرقه های شکل گیری نهادها و جمع های مخالف خود را در بین متحدین دیروز خویش به وجود آورد.

شاید یکی از دلایل ریزش مستمر کادرها و اطرافیان ساکاش ویلی در طی چهار سال اخیر به همین ویژگی شخصیتی وی مربوط است. می دانیم مهم ترین مخالفان اخیر رئیس جمهور گرجستان، متحدان و نزدیکان دیروز وی اند، کسانی چون وزیر دفاع سابق، وزیر کشور سابق و مهم تر و محبوب تر از همه وزیر خارجه سابق. مرگ ناهنگام زوراب ژوانیا یکی از اضلاع مثلث رهبری انقلاب گل رز در سوم فوریه ۲۰۰۵ ساکاش ویلی را از وجود معمار اصلاحات اقتصادی کابینه خود محروم ساخت. رویدادی که البته همان زمان هم با اما و اگرهای بسیاری نیز همراه شد و حتی ۲ سال و نیم بعد، یعنی در تحرکات همین روزهای اپوزیسیون گرجستان به عنوان علامت سؤال می هم در برابر ساکاش ویلی طرح شد. می دانیم یکی از اتهامات اپوزیسیون متحد گرجستان در پی مصاحبه جنجالی وزیر دفاع سابق گرجستان ایراکلی اوکراش ویلی، صدور دستور قتل ژوانیا از سوی میخائیل ساکاش ویلی است. برکناری سالومه زورابیش ویلی وزیر خارجه گرجستان در اواخر سال ۲۰۰۵ میلادی تحولی دیگر بود که نشان دهنده بروز اختلاف نظری اساسی در رویکرد سیاست خارجی گرجستان در بین هیأت حاکمه ی کشور بود. زورابیش ویلی که متولد فرانسه است به باور بسیاری آگاهان، نزدیک ترین شیوه سلوک و اندیشه را با طرف های غربی داشته و از محبوبیت ویژه ای در بین مردم به ویژه جوانان برخوردار است.

این بانوی جوان گرچی یکی از موثرترین چهره های فعال در اعتراضات اخیر اپوزیسیون گرجستان است. از حدود یک سال پیش، اعتراضات احزاب اپوزیسیون گرجستان به نحوه اداره امور به ویژه در حوزه وزارت کشور، وارد مرحله تازه ای شد. اعتراضاتی که به تحریم نشست پارلمان در ماه نوامبر سال گذشته انجامید. ورود رسمی ایراکلی اوکراش ویلی ۳۴ ساله وزیر سابق دفاع گرجستان به عرصه سیاست و اعلام تشکیل حزب «جنبش گرجستان متحد» در ماه سپتامبر سال جاری میلادی نقطه عطفی در مبارزات سیاسی داخلی گرجستان بود که نطفه ی مناقشات و تحولات اخیر این کشور را در خود پروراند. اوکراش ویلی که متحد سابق رئیس جمهور محسوب می شد و حتی در مناقشات اوستیای جنوبی و دستگیری جاسوسان روس، رویکردی به شدت افراطی و منازعه جویانه با کشور همسایه شمالی داشت این بار با ادعاهایی عجیب و اتهاماتی غریب، ساکاش ویلی را آماج حملات خود قرار داد. وزیر دفاع سابق دوسیه قتل زوراب ژوانیا را که پس از حدود دو سال کم کم به فراموشی سپرده شده دوباره گشود و از نقش رئیس جمهور در مرگ ناهنگام نخست وزیر سابق خبر داد. وی مدعی شد ژوانیا در جایی دیگر به قتل رسیده و پیکرش به آپارتمان مسکونی وی منتقل شده و تمامی ادعاهای بعدی مبنی بر مسمومیت ناشی از بخاری گازی صحنه سازی های تیم ساکاش ویلی است.

افزون بر این اتهام، اوکراش ویلی برنامه ریزی و دستور قتل بادی پاتارکاتسیش ویلی میلیاردر معروف گرچی و صاحب تلویزیون ایمدی این کشور را هم یکی دیگر از اتهامات رئیس جمهور دانست. هنوز یک روز از این مواضع جنجالی وزیر دفاع سابق نگذشته بود که نیروهای امنیتی گرجستان ایراکلی اوکراش ویلی را به اتهام ارتکاب جرائم مختلف مالی از قبیل پول شویی، سوء استفاده از مقام و موقعیت دولتی و غیره دستگیر کردند. از این به بعد تحولات در گرجستان با سرعتی بیش از انتظار گسترش یافت و با ائتلاف احزاب ده گانه به تجمع بزرگ دوم نوامبر در خیابان روستاولی انجامید. رویدادی که ناظران و تحلیلگران منطقه را شگفت زده کرد. تمام شواهد از بروز جنبشی ملی و حرکتی وسیع که با پشتیبانی شمار زیادی از مردم کشور نیز همراه شده است، حکایت می کرد. و این تحرکات تا هفتم نوامبر چنان اوج و عمقی یافت که رئیس جمهور جوان کشور را به اعلام وضعیت فوق العاده ۱۵ روزه در گرجستان واداشت.

تبعات منطقه ای تحولات اعتراضی در گرجستان رهبران جمهوری های شوروی سابق برای رویارویی با بحران های سیاسی در این منطقه مجموعه ای از پیمان های دو جانبه و چند جانبه را امضا کرده اند. این پیمان ها به حکومت های منطقه این امکان را داده که در برابر تند باد نامنی و اغتشاش به یاری هم بشتابند و قوای سیاسی و حتی نظامی خویش را برای نجات عضو بحران زده از خانواده کشورهای مشترک المنافع بسیج کنند. شاید اکنون که عضو دیگری از کشورهای نوپای قفقاز با بحران عمیق دست و پنجه نرم می کند این سؤال در ذهن بسیار افرادی که وقایع خشونت بار تفلیس را دنبال می کنند مطرح باشد که چرا هیچ کدام از دولت ها و رهبران منطقه برای نجات کشتی توفان زده ساکاش ویلی از توفان اعتراضات تلاش نمی کنند. این در حالی است که در دیگر بحران های منطقه سران جمهوری ها تا مرحله ایجاد یک نیروی واکنش سریع پیش رفته اند. شاید اگر ۴ سال پیش که دولت مردان امروز تفلیس قدرت را از دست دیپلمات نام آشنای گرچی، ادوارد شوارد نازده خارج کردند راه خود را از همقطاران منطقه ای شان جدا نمی کردند امروز ساکاش ویلی این اندازه در برابر جنبش ناراضیان احساس تنهایی نمی کرد.

گرجستان بویژه در ایام رهبری رهبران انقلاب مخملی از ابتدا به تکروری در سیاست خارجی روی آورد. در سال های اخیر بسیاری از جمهوری ها که با سودای یافتن شرکای بین المللی مسیر دوستی با اروپا و آمریکا را پیش گرفته بودند از نیمه راه بازگشتند. حتی دولت هایی که اکنون گرانترین قراردادهای بزرگترین پروژه های اقتصادی و نفتی قرن را با طرف های غربی به امضا رسانده اند امروز حوزه امنیت را از لیست مراودات خویش با آمریکا یا ناتو خارج ساخته اند. برخی از آنان حتی پایگاه های نظامی که اضطراراً در ایام جنگ افغانستان به دولت بوش واگذار کرده بودند را باز پس می گیرند. این چرخش نگاه فقط محدود به جمهوری های نفتی مانند آذربایجان یا قزاقستان نیست بلکه در سطح عمیق تر در دیپلماسی روسیه نیز بروز یافته است. کافی است به مشی ۷ ساله پوتین در برابر آمریکا نگاه افکنیم و رفتار آشتی جویانه او در روزهای وقوع ۱۱ سپتامبر و جنگ افغانستان را با مقابله جویی کرملین در برهه کنونی قیاس کنیم.

با این حال سیاست خارجی تفلیس در این مدت که دیپلماسی جمهوری ها دوره ای از آزمون و خطا را تجربه کردند فاقد انعطاف و واقع بینی لازم بوده و در برابر هر گونه تجدیدنظر خواهی مقاومت کرده است. پدیده جزمیت حاکم بر نگاه رهبران جدید تفلیس راه هر گونه اصلاح در سیاست های این کشور را بست. این واقعیتی است که امروز اغلب تحلیلگران رسانه های غرب نیز در نقد رفتار حاکمیت گرجستان به آن اقرار دارند. دولت جوان ساکاش ویلی که در عرصه سیاست فاقد تجربه دیگر رهبران جمهوری های شوروی سابق بود راه برنقد و انتقاد حتی حلقه همکارانش بست. او در گردش امور حکومت فقط به تشخیص فردی خود عمل کرد و همین منشأ تناقض اصلی در نظام سیاسی نوپایی شد که ادعای نماد دموکراسی بودن را در منطقه داشت. آن گونه که یک گزارشگر فرانسوی توصیف کرده است رهبر گرچی ها افزون بر خصیصه فرد گرایی که ویژگی عام بسیاری از دولت مردان قفقاز است سیاستمداری پندارگرا در میان سلسله رهبران عملگرایی این منطقه بود. او درحالی که بر کشوری فقیر و فاقد منابع و ثروت کلان حاکم شده بود تا روز شورش لشکر گرسنگان و بیکاران این کشور همچنان گرجستان را عضوی برتر و نیرومندتر از همه جمهوری ها می پنداشت و همچنان براین تصور بود که انقلاب رنگی ۲۰۰۳ تفلیس را به قلب سیاسی این منطقه و الگویی برای همه ملت های شوروی سابق تبدیل خواهد کرد.

بنابراین شاید در یک نگاه تطبیقی بتوان گفت که رهبران گرجستان دارای جهان بینی کاملاً متفاوت از همسایگان و همقطاران شان بودند. فاصله افکار ساکاش ویلی با سایر

رهبران این منطقه فاصله میان دو تفکر ذهنیت‌گرایی و عمل‌گرایی است. او در پی تحقق یک نظام سیاسی ذهنی بود که نه گرجستان زمینه و بستر عینی آن را داشت و نه این که دولتمردان و کابینه جوان انقلاب رنگی تفلیس ابزار و امکانات آن را در دست داشتند. بنابراین در آسیب‌شناسی بحرانی که امروز این جمهوری قفقاز را در چنگ گرفته بسیاری از کیش شخصیت ساکاش ویلی یک مسأله تعیین‌کننده است و گویا همین مسأله نیز موجب شد که رهبر گرجی در تابستان امسال نخستین تصمیم‌های خطرناک خویش را برای تسویه حذف منتقدان درون حکومتی‌اش بی‌پروا به اجرا درآورد. ساکاش ویلی در این مدت همه درخواست‌ها برای پیوستن به جرگه همکاری‌های منطقه‌ای رهبران جمهوری‌های همجوار را نفی کرد و روابط سیاسی تفلیس با پایتخت‌های آسیای مرکزی و قفقاز به نقطه صفر نزدیک شد. به همین دلیل قابل‌انتظار بود که وقتی بحران کاخ ریاست گرجستان را احاطه کرد رهبران کشورهای پیرامون جز سکوت هیچ واکنشی نشان ندادند.

در حالی که گروه رهبران کشورهای مشترک‌المنافع ابزارها و سازوکارهای مؤثری را برای مهار بحران ایجاد کرده‌اند. به طور مثال در مدت 5 سالی که ساکاش ویلی برای اخذ کارت عضویت نهادهای اروپایی و غربی تلاش می‌کرد سران کشورهای مشترک‌المنافع توانستند به ایجاد یک سیستم امنیت دسته‌جمعی مبادرت کنند و جالب است که فلسفه اصلی این سیستم امنیتی نیز چیزی جز پیشگیری از بیماری مزمن هرج و مرج و شورش نیست. نظام امنیتی که ساکاش ویلی از ورود در آن امتناع کرد اکنون دارای دفتر و دیوان ثابت شده و آرام آرام می‌رود تا به ارتش و نیروی دفاعی نیرومند هم تجهیز شود. در شرایط امروز این سیستم امنیتی دو کاربرد ملموس دارد نخست این که به هنگام بروز ناامنی قومی یا سیاسی در هر یک از این جمهوری‌ها نیروهای دفاعی آنها را برای یاری عضو بحران زده وارد میدان می‌کند و از این طریق ضعف بارز برخی از دولت‌های نوپای قفقاز و آسیای مرکزی را در برابر جبهه معارضان و جدایی‌طلبان می‌پوشاند با این ابتکار عمل رهبران جمهوری‌های یاد شده تا حدی توانسته‌اند بر معضل دیرپای بی‌ثباتی و ناامنی در قلمرو حاکمیت خویش غلبه کنند. در سالی که گذشت این رهبران در چندین اجلاس مهم از بیشکک تا مسکو و از تاشکند تا دوشنبه این پیمان‌های امنیتی را تجدید و تقویت کردند و کاربرد دوم که اهمیت به سزایی دارد آنجا است که امضاکنندگان این پیمان‌ها راه مداخله نیروها و بازیگران فرامنطقه‌ای در بحران را می‌بندند.

اختلاف اصلی رهبری گرجستان با سایر رهبران منطقه نیز از همین جا ناشی شد که سران جمهوری‌ها با ایجاد این سیستم‌ها در واقع سیاست رویگردانی از نهادهای اروپایی بویژه ناتو را در پیش گرفتند اما تفلیس تا آغاز شورش‌های اخیر بر این باور ماند که مشکلات امنیتی این منطقه می‌تواند با حضور بازیگران و طرف‌های بین‌المللی بویژه آمریکا فیصله یابد. هم‌اکنون ساکاش ویلی در حالی با شورش غیرقابل‌مهار معارضان داخلی روبرو شده که در خارج او از سوی همسایگان و همقطاران خویش نیز بایکوت شده است و دولت‌ها و سازمان‌های مستقر در جمهوری‌های شوروی سابق او را با مخالفانش تنها گذاشته‌اند. سکوت همسایگان تفلیس در این غائله یک پیام روشن دارد و آن این که گرجستان پس از انقلاب مخملی با جدا کردن راه خویش بدیهی‌ترین واقعیات ژئوپولیتیک منطقه را نادیده گرفت. رهبران کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از این جهت آسوده‌خاطر هستند که شورش‌های داخلی این کشور از چارچوب حکومت ساکاش ویلی فراتر نخواهد رفت و از آن دست بحرانی‌هایی نیست که میل به سرایت و گسترش داشته باشد.

آنچه در این میان هم‌قطاران منطقه‌ای گرجستان را خشمگین ساخته است، سیاست فراقلمنی دولتمردان تفلیس است و این که ساکاش ویلی به جای تلاش برای رفع بی‌اعتمادی و شکاف حکومت و اپوزیسیون، کوشش می‌کند تا این همه بحران را به اراده دست‌های پنهان نسبت دهد. دامنه اتهامات ساکاش ویلی اکنون بیش از همه دامن کرملین را گرفته است و روزی نیست که او در مصاحبه یا نشست‌های کابینه‌اش دشنام و سرزنش را متوجه روس‌ها نسازد. جالب است که این سیاست جنگ تبلیغاتی رهبری گرجستان به صورت همه‌جانبه از ناحیه محافل غرب حمایت می‌شود. در آخرین فاز این جنگ تبلیغاتی رهبر گرجستان با الهام از ادبیات تحلیل‌گران غرب، همتای آن زمان روس‌اش ولادیمیر پوتین را به کوشش برای تجزیه کشورش و قبرسی کردن بحران تفلیس متهم کرد و گفت: «در حال حاضر من می‌خواهم به شما چیزی را بگویم که تا به حال در این باره حرفی نزنده‌ام. در سال گذشته ضمن نشست سران کشورهای مشترک‌المنافع، ولادیمیر پوتین در خلوت و به صورت محرمانه، به من گفت: که روسیه در آبخازیا، قبرس جدیدی را به وجود خواهد آورد. در ادامه دیوید بکرادزی، وزیر حل‌منازعات گرجستان روسیه را متهم کرد که حضور نظامی‌اش را در قلمرو آبخازیا تقویت می‌کند.

ریس جمهور گرجستان برای اثبات ادعایش حرف‌های عجیبی به زبان آورد که حتی ناظران منطقه از آن اظهار شگفتی کردند. او گفت: روسیه به آبخازیا از طریق بندر آچامچرا در دریای سیاه، تانک‌ها، راکت‌ها، توپ‌ها، زره‌پوش‌ها و بیش از ۲۰۰ سرباز که اکثریت‌شان را چچنی‌ها تشکیل می‌دهند وارد کرده است. به ادعای این مقام گرجی چچنی‌ها در جنگ میان تفلیس و آبخازستان نقش کلیدی بازی می‌کنند و در حال حاضر گرجستان حضور آنها را در آبخازیا حتمی ارزیابی می‌کند. در پاسخ این اتهامات مسکو همه اتهامات را یک ماجراجویی عنوان کرد. کرملین به ساکاش ویلی توصیه کرد که به جای بدنام کردن همسایگان‌ش به فکر عواقب سرکوب‌هایش باشد و این تناقض را حل کند که در برخورد با تظاهرگران و مجروح ساختن آنها دموکراسی را با چاشنی خشونت بکار می‌برد. به این صورت تصور می‌رود که مدیریت بحران ساکاش ویلی در بحران جدید خود به بروز بحرانی تازه در فراسوی مرزهای این کشور هم انجامیده است. شاید اگر شورش‌های تفلیس به یک گروه یا دسته سیاسی محدود بود این سیاست ساکاش ویلی و شرکایش راه به جایی می‌برد اما اکنون که دامنه جنبش اعتراضی از حیطه احزاب به میان اقشار گوناگون جامعه ۵ میلیونی گرجستان کشیده شده راهبرد رهبرناکام انقلاب مخملی می‌تواند عواقبی بدتر به بار آورد و در روزهای آتی پایتخت‌های آسیای مرکزی و قفقاز را که تاکنون با سکوت شورش تفلیس را سپری کرده‌اند به ورود در صحنه و حمایت از جبهه معارضان ساکاشویلی ترغیب سازد.

پایان پیام.